

روزمره های یک

نویسنده



مهین فرید



زمانات

انتشارات زماندار

۱۳۹۷

سرشناسه: فرید، مهین، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: روزمره‌های یک نویسنده / مهین فرید.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات زمامدار، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۳۰ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۱۷۰۰۰۰ ریال ۷۳-۷۸۸۵-۶۰۰-۹۷۸ :

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian Short stories, 21st century

رده ی کنگره: ۸۳۵۶۱/۹۵۸۸۳۵۶/۱۳۹۷ ر

رده بندی یوبی: ۶۲۰

شماره کتابشناسی: ۱۴۸۳

روزمره‌های یک نویسنده

- نویسنده: مهین فرید
- ویراستار: جمانه محفلی
- چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۸۵-۷۳-۴
- تعداد: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: خانه چاپ ایران

انتشارات زمامدار: تهران میدان آرژانتین خیابان الوند کوچه کامبیز پلاک ۴ واحد B1 و B2

تلفن: ۰۲۱-۷۷۹۱۷۲۳۰ و ۰۲۱-۷۷۷۴۵۰۰۴ و ۰۲۱-۸۸۱۹۸۲۰۲

www.zemamdar.com/www.zemamdar.ir

پایگاه اینترنتی:

فهرست

۹.....	مقدمه
۱۳.....	داشته‌ها و نداشته‌های مرد متمدن
۳۳.....	غریب آشنا
۴۳.....	تولد ناخواسته
۴۹.....	چکمه‌هایس
۵۵.....	هنرمندی
۵۹.....	شروع دوباره
۶۵.....	تنهاترین تنها
۷۱.....	حکمت و رحمت خدا
۷۹.....	قوانین منتفی شده
۸۵.....	حرف‌های نگفته
۹۱.....	گم گشته
۹۵.....	خرافات
۱۰۱.....	نگاهی دوباره به زندگی
۱۰۷.....	رویای بوج
۱۱۳.....	پهلوان پیر
۱۱۷.....	خواسته‌های دل
۱۲۳.....	فراموش شده

مقدمه

دارم فکر می‌کنم عشق چه حس غریبی ست!

پیر و جوان، کرچه و بزرگ، فقیر و غنی، زن و مرد، معلول و سالم نمی-
شناسد.

دل گرفتار، سوختن و دم نزدن دارد. در زمان و مکان و سن حالیش نیست!
بازیگر تماشاخانه ای به نام دنیا شده ایم. می‌بیم، می‌شنویم، لمس می‌کنیم
بودن‌ها را.

عاشق که می‌شوی معشوق می‌شود کل وجودت، رست جسم و فکرت.

نمی‌دانم چرا و چگونه یهویی دل می‌بندیم؟

و می‌گذریم از بود و نبود، هست و نیست و چرا یهو کودک درونمان عصیان
می‌کند!

سن و سال فراموش مان می شود و فقط بی مهابا خواستن و دوست داشتنش
را بر زبان جاری می سازیم.

گاه جسارت پیدا کرده و برای لحظه ای کوتاه، قلم بدست می گیرم باید
روح پراحساس را مهار کرد باید خود را باور داشت و دل سپرد به این جمله
که من می توانم و خواستن توانستن است.

عشق حس غریبی ست خیلی غریب و غیرارادی و در عین حال لذت بخش.

عشق مخالف جنس مخالف نیست و من عاشق در تب و تاب یک عشق نو پا
گرفتم.

عاشق نوشتن و حبس کردن و دیگر هیچ...